

# جهان، رشد و توزیع جمعیت؛ واقعیات و آمارها

ترجمه، توضیح و تفسیر از:  
دکتر احمد کتابی

در آوریل ۱۹۹۴، واحد (دفتر) مرجع اطلاعات جمعیت "Population Reference Bureau" طبق معمول سالیانه، جدیدترین آمارهای مربوط به جمعیت جهان، مناطق و کشورهای مختلف را انتشار داد. آنچه در جدول ارائه شده در این مقاله آمده خلاصه و گزیده‌ای از آمارهای مزبور است. شایان ذکر است که ارقام مربوط به جمعیت در سال ۱۳۵۰ و نیز نسبتهای تراکم نسبی را، از دو ماخذ دیگر استخراج کرده و به جدول افزوده‌ام.

قبل از شروع بررسی جدول، لازم است درباره عنوان «بیشتر توسعه یافته» و «کمتر توسعه یافته» که در ستون اول به کار رفته است توضیحی ارائه کنیم: طبق تعریف سازمان ملل متحد، عنوان «بیشتر توسعه یافته» More Developed شامل تمام مناطق اروپا، آمریکای شمالی، ژاپن، استرالیا و زلاندون می‌شود و عنوان «کمتر توسعه یافته» Less Developed تمام مناطق آفریقا، آسیا (بجز ژاپن) و آمریکای لاتین به اضافه ملانزی، میکرونزی و پلی‌نزی را در برمی‌گیرد.

## توضیح و تجزیه و تحلیل جدول

بررسی ارقام مندرج در جدول، گویای واقعیات بسیاری است که ذیلاً به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

۱- نخستین نکته‌ای که از این بررسی استنباط می‌شود، توزیع نامتعادل و نامناسب جمعیت در سطح جهان است. در این زمینه، ذکر چند مقایسه آماری بی‌مناسبت نیست: در سال ۱۹۹۴، قاره آسیا در حالیکه بیش از ۷۹ درصد جمعیت کل دنیا را در خود جای داده بود تنها، ۲۰/۲ درصد کل خشکی‌های کره زمین را دارا بوده (و هست). در مقابل، در قاره اقیانوسیه با مساحتی معادل ۶/۲ درصد کل خشکی‌ها، فقط ۲۸ میلیون نفوس یعنی حدود نیم درصد از جمعیت کل جهان ساکن هستند.

مثال دیگر: در همان سال، کانادا با آن همه امکانات طبیعی و تکنولوژیک، تنها دارای ۲۹ میلیون نفر جمعیت بوده است (۳ نفر در هر کیلومتر مربع). در مقابل، بتکادش با مساحتی محدود و امکاناتی محدودتر، بیش از ۱۱۶ میلیون نفر را در خود سکن داده و دارای بیشترین تراکم

نسبی در بین تمام کشورهای جهان بوده است. (۸۱۸ نفر در کیلومتر مربع)

۲- ارقام ستون ۵، اختلاف سطح آشکاری را که از نظر شهرنشینی، بین مناطق «بیشتر توسعه یافته» و «کمتر توسعه یافته» وجود دارد، نشان می‌دهد. این تفاوت فاحش، معرف شرایط کاملاً مختلف این دو گروه است: در کشورهای توسعه یافته، جریان مهاجرت از روستاها به شهرها اکنون بسیار کند شده و در بعضی موارد، تقریباً متوقف گردیده است. زیرا در این ممالک، در طول ۲۰۰ سال گذشته، بخش اعظم جمعیت روستائین، بتدریج به شهرها انتقال یافته و از آنجا که این حرکت و انتقال بآرامی و بموازات تحول صنعتی-افزایش نیاز شهرها به نیروی انسانی جدید-انجام گرفته است مشکلات حادی را موجب نشده، سهل است جریان صنعتی شدن را تا حدود زیادی آسان و سریع کرده است.

در مقابل، در کشورهای در حال توسعه، جریان مزبور جندی است که آغاز شده است ولی سرعت و شدت این تحول، بی‌پروچه، با وضع کشورهای توسعه یافته و صنعتی قابل مقایسه نیست. ممالک در حال توسعه، هم اکنون، در معرض امواج عظیم مهاجرت روستائیان به شهرها- با همه دشواریها و مسائل حاد ناشی از آن- قرار گرفته‌اند.

نکته مهم دیگری که در ارقام ستون مزبور مشاهده می‌شود بالا بودن غیرطبیعی نسبت شهرنشینی در بعضی از مناطق کمتر توسعه یافته- از جمله آمریکای لاتین- است. این پدیده را بی‌پروچه نباید به فال نیک گرفت زیرا، شهرنشینی زودرس و شتابان در کشورهای جهان سوم بیش از آن که نشانه بلوغ و پیشرفت اقتصادی باشد، معرف بی‌ثباتی و عدم سلامت اقتصادی است که بالعمال موجب بروز انواع مشکلات و آسیبهای اجتماعی و در راس آنها گسترش حاشیه‌نشینی و زائغه‌نشینی می‌گردد.

۳- بطوریکه از ارقام ستون ۶ برمی‌آید، از نظر رشد سالیانه جمعیت هم، تفاوتی آشکاری بین مناطق و کشورهای مختلف مشاهده می‌شود. برای این که اهمیت و تأثیر این تفاوتها بهتر معلوم شود کافی است نسبتهای رشد مربوط به مناطق بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته را با هم مقایسه کنیم: به حکایت جدول، در سال ۱۹۹۴، نسبت رشد سالیانه جمعیت در مناطق بیشتر توسعه یافته ۳٪ درصد بوده است که اگر آن را ثابت فرض کنیم تنها می‌تواند پس از گذشت ۲۶۴ سال جمعیت این مناطق را دو برابر کند و حال آنکه در مناطق

کمتر توسعه یافته، با نسبت رشدی حدود ۱/۹ درصد در سال، دو برابر شدن جمعیت فقط مستلزم گذشت ۳۶ سال خواهد بود.

مثال دیگر: اگر نسبت کنونی رشد جمعیت در قاره اروپا را که ۱٪ درصد است ثابت فرض کنیم، برای دو برابر شدن جمعیت این قاره، گذشت ۱۰۷۸ سال! ضروری خواهد بود ولی برای قاره آفریقا، با نسبت رشد ۲/۹ درصد در سال، فقط سپری شدن ۲۴ سال کفایت خواهد کرد.

اگر به سطح کشورها باز گردیم، (که متأسفانه آمارهای همه آنها در جدول خلاصه شده نیامده است) این اختلاف سطح بمراتب بیشتر می‌شود: مثلاً در سلطان‌نشین عمان با نسبت رشدی حدود ۴/۹ درصد، جمعیت می‌تواند تنها در ظرف ۱۴ سال دو برابر شود و حال آن که در ایتالیا که نسبت رشد سالیانه جمعیت آن نزدیک به صفر است، مضاعف شدن جمعیت مستلزم گذشت ۲۳۱۰ سال خواهد بود و بالاخره در کشورهایی نظیر آلمان، روسیه فدراتیو، استونی، لتونی، بلغارستان، مجارستان، اوکراین و کرواسی که در سال ۱۹۹۴ رشد منفی جمعیت داشته‌اند، به فرض ادامه شرایط موجود- امکان هرگونه افزایش جمعیتی بکلی منتفی است، سهل است جمعیت حتی کاهش هم خواهد یافت.

۴- ستونهای ۸ و ۹ جدول، بار عظیم افزایش جمعیتی را که طی چند دهه آینده، دنیا، به طور اعم و کشورهای جهان سوم به نحو اخص، باید تحمل کنند نشان می‌دهد. در اینجا نیز، ذکر چند تحلیل آماری مفید به نظر می‌رسد: به حکایت ارقام جدول، تا سال ۲۰۲۵ میلادی (یعنی فقط تا ۳۰ سال دیگر) حدود ۲۷۷۰ میلیون به جمعیت دنیا اضافه خواهد شد که از این رقم، ۲۶۷۶ میلیون آن (بیش از ۹۶ درصد) متعلق به مناطق کمتر توسعه یافته و تنها ۹۵ میلیون (کمتر از ۴ درصد) آن نصیب مناطق بیشتر توسعه یافته خواهد بود. به این ترتیب، افزایش جمعیتی که طی ۳۰ سال آینده در سطح دنیا حاصل خواهد شد، از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۵۰ بیشتر خواهد بود. طی همین مدت، قاره‌های آسیا و آفریقا بترتیب ۱۶۲۵ و ۸۳۸ میلیون اضافه جمعیت جدید خواهند داشت و در مقابل، قاره‌های اقیانوسیه و اروپا بترتیب فقط با ۱۱ و ۳ میلیون افزایش جمعیت مواجه خواهند شد.

در بین کشورها، بیشترین افزایش متعلق به هند

(۴۶۵ میلیون) و سپس چین (۳۱۲ میلیون) خواهد بود و در مقابل، جمعیت چند کشور از جمله آلمان و روسیه (بترتیب حدود ۸ و ۵/۷ میلیون) کاهش خواهد یافت. ۵. عمر متوسط (= امید زندگی به هنگام تولد Life expectancy at birth) که در ستون ۱۰ مسورد، ارزیابی قرار گرفته است، یکی از شاخص‌های بسیار مهم و گویای جمعیت‌شناسی به شمار می‌رود. بالا بودن عمر متوسط، در واقع معترف کم بودن میزان مرگ و میر و در نتیجه نشانه بالا بودن سطح بهداشت، تغذیه و به طور کلی رفاه در جامعه مورد بررسی است. برعکس، پائین بودن عمر متوسط بهترین مسعزف عدم برخورداری مردم از شرایط بهداشتی و رفاه مطلوب است. نکته مهمی که از بررسی ارقام ستون ۱۰ استنباط می‌شود، کم بودن نسبی تفاوت بین مناطق و کشورهای مختلف دنیا از نظر طول عمر متوسط است. این پدیده چگونه قابل توجه است؟

چنانچه گفتیم عمر متوسط، تابع مستقیم میزان مرگ و میر در جامعه است. از طرف دیگر، نسبت مرگ و میر نیز، با امکانات جامعه برای پیشگیری و درمان بیماریها ارتباط مستقیم دارد.

در چند دهه اخیر، به برکت پیشرفت‌های عاقل‌العاده‌ای که در زمینه پیشگیری و درمان بیماریهای مختلف حاصل شده است و با انتقال امکانات بهداشتی و درمانی از کشورهای پیشرفته به ممالک جهان سوم، میزان مرگ و میر در کشورهای اخیر بشدت کاهش یافته و در بسیاری از موارد به سطح کشورهای پیشرفته تنزل یافته و حتی از آن پائین تر رفته است تا آنجا که به موجب گزارش P.R.B، میزان مرگ و میر در مناطق بیشتر توسعه یافته در

سال ۱۹۹۴ ۱۰۰ هزار و رقم مربوط به مناطق کمتر توسعه یافته ۹ در هزار بوده است که در وهله اول بسیار شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد.

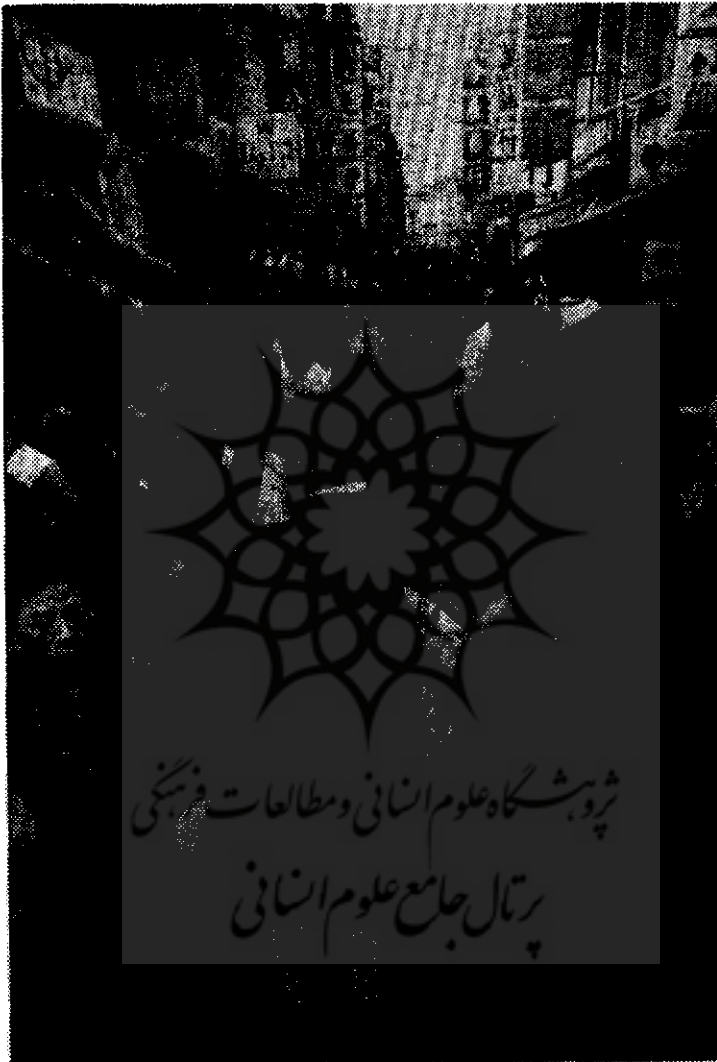
به نظر نگارنده، عامل مهمی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد جوانی جمعیت در کشورهای کمتر توسعه یافته است که موجب می‌شود جمعیت این ممالک در مقایسه با جمعیت سالخورده کشورهای پیشرفته توسعه یافته. آسیب پذیری کمتری داشته باشد زیرا هرچه جمعیت‌ها سالخورده تر باشند قابلیت میرایی (امکان مرگ و میر) آنها

به طور نسبی بیشتر خواهد بود.

۶. ستونهای ۱۱ و ۱۲ جدول، نشان دهنده یکی از عناصر مهم ساختار جمعیت یعنی ترکیب سنی است که برای تسهیل درک آن، ذکر توضیح مختصری لازم به نظر می‌رسد:

به طور کلی، جمعیت جوامع را معمولاً به سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌کنند:

گروه اول: شامل افراد واقع در سنین صفر تا ۱۵ سال



ضمناً سنگینی بار تکفلی که به عهده هر یک از افراد این گروه قرار می‌گیرد کمتر خواهد شد (فراموش نکنیم که افراد گروه دوم، نه تنها باید زندگی خود را تأمین کنند بلکه تأمین معیشت دو گروه دیگر نیز بر دوش آنها قرار دارد)

اکنون به مقایسه ارقام ستونهای مذکور می‌پردازیم و به عنوان نمونه، نسبتهای مربوط به دو کشور ژاپن و پاکستان را که اولی دارای جمعیتی سالخورده و دومی

دارای جمعیتی جوان است با هم می‌سنجیم: در ژاپن جمعاً ۳۱ درصد کل جمعیت در گروه اول و سوم قرار داشته‌اند به این ترتیب، ۶۹ درصد جمعیت کل این کشور بالقوه آماده فعالیت اقتصادی بوده‌اند و حال آن‌که در پاکستان نسبت افراد واقع در گروههای اول و سوم جمعاً ۴۷ درصد و بنابراین نسبت مربوط به گروه دوم ۵۳ درصد بوده است. حال اگر به نقش محدود زنان در فعالیتهای اقتصادی در کشورهایی نظیر پاکستان توجه کنیم، محدود بودن جمعیت فعال در این گونه کشورها و نیز سنگینی بار تکفل برای افراد تولیدکننده آنها نیز آشکار می‌شود.

۷. بالاخره می‌رسیم به آخرین ستون جدول که به درج آمارهای مربوط به تولید ناخالص سرانه اختصاص یافته است. به طوریکه صلاحظمه می‌شود، در این ستون، اختلاف سطح ارقام بر مراتب بیشتر از ستونهای دیگر است.

اگر ارقام این ستون را با اعداد مندرج در ستون ۶ و یا ستونهای ۸ و ۹ بسنجیم به نتیجه شگفت‌انگیزی دست می‌یابیم و آن وجود یک همبستگی منفی بین نسبت رشد جمعیت و مقدار تولید سرانه است. برای اثبات این مدعا، مثالهای متعددی می‌توان ارائه

کرد که ما در اینجا از نظر رعایت اختصار به ذکر سه مورد اکتفا می‌کنیم:

مناطق بیشتر توسعه یافته با تولید سرانه‌ای بسیار زیاد که تقریباً ۱۷ برابر رقم مربوط به مناطق کمتر توسعه یافته است دارای رشد جمعیت بسیار ناچیزی هستند (معادل ۳٪ درصد در سال) و حال آن‌که مناطق کمتر توسعه یافته، با تولید سرانه‌ای بسیار نازل، از رشد جمعیتی معادل ۱/۹ درصد در سال که می‌تواند در ظرف ۳۶ سال جمعیت آنها را دو برابر کند برخوردارند.

گروه دوم: شامل افراد ۱۵ تا ۶۴ سال  
گروه سوم: شامل افراد واقع در سنین ۶۵ سال به بالا  
بی‌نیاز از توضیح است که از سه گروه مذکور، فقط گروه دوم، در سنین فعالیت اقتصادی قرار دارند و دو گروه دیگر، به گروه مزبور وابسته بوده و در واقع فقط مصرف‌کننده‌اند.

بنابر آنچه گفته شد، هر قدر نسبت (درصد) افرادی که در گروه دوم قرار دارند بیشتر باشد، امکان فعالیت اقتصادی - لافل به صورت بالقوه - بیشتر خواهد بود و

در قاره اروپا، با تولید سرانه‌ای معادل ۱۱۹۹۰ دلار در سال، نسبت رشد سالیانه جمعیت فقط ۱٪ درصد است که می‌تواند جمعیت را در ظرف ۱۰۲۵ سال دو برابر کند و حال آن‌که در آفریقا با درآمد سرانه ۶۵۰ دلار و نسبت رشد جمعیت ۲/۹ درصد، جمعیت فقط طی ۲۴ سال دو برابر خواهد شد. جمعیت نائزانیبا با تولید

سرانه ۱۱۰ دلار در سال، در ظرف ۲۱ سال و جمعیت سوئیس با درآمد سرانه ۳۶۲۳۰ دلار طی ۲۳۱ سال دو چندان خواهد گردید.

یادداشتها و مآخذ:

۱- سالنامه‌های جمعیتی سازمان ملل متحد (Demographic

yearbooks) مربوط به سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۹۱ و نیز ونمایه جمعیتی جهان، ترجمه همکار ارجمند دکتر محمد جهانفر (از انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب چاپ ۱۳۷۷) که ضمناً حاوی جدول کامل منتشر شده توسط (P.R.B) و اطلاعات سودمند دیگری است.

گزیده آخرین آمارهای مربوط به جمعیت دنیا، قاره‌ها و ۱۵ کشور پرجمعیت جهان (۱۹۹۳) و تولید (محصول ناخالص ملی = G.N.P) سرانه آنها

World Population Data Sheet (P.R.B) 1994 مآخذ اصلی:

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
مناطق و کشورها	جمعیت در ۱۹۵۰ به میلیون	جمعیت در ۱۹۹۳ به میلیون	تراکم نسبی در ۱۹۹۳ در نفر در کیلومتر مربع	نسبت (درصد) شهرنشینی در ۱۹۹۳	نسبت (درصد) رشد سالیانه جمعیت ۱۹۹۳	زمان دو برابر شدن جمعیت بر حسب نسبت کنونی رشد	پیش‌بینی جمعیت سال ۲۰۱۰ میلادی به میلیون	پیش‌بینی جمعیت سال ۲۰۲۵ میلادی به میلیون	عمر متوسط به سال	نسبت (درصد) افراد کمتر از ۱۵ سال	نسبت (درصد) افراد بیشتر از ۶۵ سال	تولید ناخالص ملی (G.N.P) سرانه به دلار (۱۹۹۲)
جهان	۲۵۱۶	۵۶۰۷	۴۲	۶۳	۱/۶	۴۳	۷۰۲۲	۸۳۷۸	۶۵	۳۳	۶	۴۳۴۰
مناطق بیشتر توسعه یافته	۸۳۱/۸	۱۱۶۴	۲۲	۷۴	۰/۳	۲۶۴	۱۲۲۸	۱۲۵۹	۷۵	۲۰	۱۳	۱۶۶۱۰
مناطق کمتر توسعه یافته	۱۶۸۳/۷	۴۴۴۳	۵۴	۳۵	۱/۹	۳۶	۵۷۹۴	۷۱۱۹	۶۳	۳۶	۲	۹۵۰
آفریقا	۲۲۲	۷۰۰	۲۳	۳۱	۲/۹	۲۴	۱۰۷۸	۱۵۳۸	۵۵	۴۵	۳	۶۵۰
آمریکای شمالی (شامل آنازونی و کانادا)	۱۶۶	۲۹۰	۱۳	۷۵	۰/۷	۹۸	۳۳۴	۳۷۵	۷۶	۲۲	۱۳	۲۲۸۴۰
آمریکای لاتین	۱۶۶	۴۷۰	۲۳	۷۱	۲	۳۵	۵۸۴	۶۷۹	۶۸	۳۶	۵	۲۷۱۰
آسیا	۱۳۷۷	۳۴۹۲	۱۰۷	۴۲	۱/۷	۴۱	۴۲۵۳	۵۰۱۷	۶۴	۳۳	۵	۱۸۲۰
اروپا (شامل اتحاد شوروی سابق و روسیه کنونی)	۵۷۳	۷۲۸	۳۲۰	۷۳	۰/۱	۱۰۲۵	۷۳۸	۷۳۱	۷۳	۲۰	۱۳	۱۱۹۹۰
اقیانوسیه	۱۲/۶	۲۸	۳	۷۰	۱/۲	۵۷	۳۴	۳۹	۷۳	۲۶	۱۰	۱۳۰۴۰
چین	۵۳۲/۸	۱۱۹۲	۱۲۶	۲۸	۱/۱	۶۱	۱۳۷۹/۱	۱۵۰۴/۳	۷۰	۲۸	۶	۳۸۰
هند	۳۵۸/۲	۹۱۱/۶	۲۷۹	۲۶	۱/۹	۳۶	۱۱۶۳/۳	۱۳۷۶/۱	۵۷	۳۶	۴	۳۱۰
ایالات متحده آمریکا	۱۵۲/۲	۲۶۰/۸	۲۸	۷۵	۰/۷	۹۸	۳۰۰/۴	۳۳۸/۳	۷۶	۲۲	۱۳	۲۳۱۲۰
اندونزی	۷۶	۱۹۹/۷	۱۰۲	۳۱	۱/۶	۴۳	۲۵۰/۳	۲۸۸/۵	۶۰	۳۷	۴	۶۷۰
برزیل	۵۱/۹	۱۵۵/۳	۱۹	۷۶	۱/۷	۴۰	۱۷۹/۷	۱۹۹/۹	۶۷	۳۵	۵	۲۷۷۰
روسیه فدراتیو (۱)	۱۳۷/۸	۹	۹	۷۳	۰/۲	-	۱۴۵/۲	۱۴۲/۱	۶۸	۲۲	۱۱	۲۶۸۰
پاکستان (۱)	۸۲/۹	۱۲۶/۳	۱۷۲	۲۸	۲/۸	۲۵	۱۹۱/۱	۲۷۵/۶	۶۰	۴۴	۲	۴۱۰
ژاپن	۱۲۵	۱۲۵	۳۳۰	۷۷	۰/۳	۲۶۷	۱۳۰/۴	۱۲۵/۸	۷۹	۱۷	۱۴	۲۸۲۲۰
بنگلادش (۱)	۱۱۶/۶	۱۱۶/۶	۱۴	۱۴	۲/۴	۲۹	۱۶۴/۸	۲۱۱/۳	۵۳	۴۲	۲	۲۲۰
نیجریه	۴۴/۳	۹۸/۱	۱۶	۱۶	۳/۱	۲۴	۱۶۲	۲۳۶	۵۴	۴۵	۲	۳۲۰
مکزیک	۲۶/۲	۹۱/۸	۴۷	۷۱	۲/۲	۳۱	۱۱۸/۵	۱۳۷/۵	۷۰	۳۸	۴	۳۴۷۰
آلمان (مردم)	۶۵	۸۱/۲	۲۲۸	۸۵	۰/۱	-	۷۸/۲	۷۳/۲	۷۶	۱۶	۱۵	۲۳۰۳۰
فیلیپین	۲۰/۲	۶۸/۷	۲۲۱	۴۴	۲/۴	۲۹	۸۹/۳	۱۰۵/۱	۶۴	۳۹	۴	۷۷۰
ترکیه	۲۰/۸	۶۱/۸	۷۸	۶۱	۲/۲	۳۲	۸۱/۳	۹۸/۲	۶۷	۳۵	۴	۱۹۵۰
ایران (جمهوری اسلامی)	-	۶۱/۲	۴۰	۵۷	۳/۶	۱۹	۱۰۰/۴	۱۵۲/۲	۶۵	۴۷	۴	۲۱۹۰

۱- به دلیل تغییر محدوده جغرافیایی و یا تجزیه کشورها، ارقام دقیق مربوط به این کشورها در دسترس نگارنده نبوده است.

۲- ارقام مربوط به جمهوری اسلامی ایران در زمینه رشد جمعیت و نیز ترکیب سنی آن، مبالغه آمیز و قابل تأمل به نظر می‌رسد.